



## الدَّرْسُ الثَّلَاثُ



أَنَا طَبَاخَةٌ. أَطْبِخُ طَعَامًا لَذِيذًا.  
من أشبزم، غذای خوشمزه ایی می یزم



## الدَّرْسُ الثَّلَاثُ

المُعْجَم: واژه‌نامه (۲۷ کلمه جدید)

شد	صَارَ	دیگران	آخِرِينَ
«سَوْفَ أَصِيرُ: خواهم شد»		دوست داشت	أَحَبَّ
چشم پزشکی	طِبُّ الْعُيُونِ	«أُحِبُّ: دوست دارم» «تُحِبُّ: دوست داری»	
عمو	عَمَّ	می‌خواهم که بروم	أُرِيدُ أَنْ أَذْهَبَ
درباره، از	عَنْ		
چشم، چشمه «جمع: عيون»	عَيْنَ	صاحبان شغل‌ها	أَصْحَابُ الْمِهْنِ
معاینه کرد	فَحَصَ	تورا نصیحت می‌کنم که بروی	أَنْصَحُكَ أَنْ تَذْهَبَ
بُرُنْدَه	قَاطِعِ	کشور، شهرها «مفرد: بَلَد»	بِلَادِ
نمی‌دانم	لَا أَدْرِي	فروش	بَيْعِ
چه وقت	مَتَى	پیشرفت	تَقَدُّمِ
بیماران «مفرد: مَرِيض»	مَرَضَى	تهیه	تَهْيِئَةِ
دفعه	مَرَّةً	دایی	خَالِ
آینده	مُسْتَقْبَلِ	نان	خُبْزِ
شغل «جمع: مِهَن»	مِهْنَةٍ	ورزش «ریاضی: ورزشکار»	رِيَاضَةِ
می‌رسیم «وَصَلَّ: رسید»	نَصَلُ	تاکسی	سَيَارَةِ الْأَجْرَةِ

شغل تو در آینده

## مِهْنَتُكَ فِي الْمُسْتَقْبَلِ

معلم وارد کلاس شد و گفت:

دَخَلَ الْمُدْرَسُ فِي الصَّفِّ وَقَالَ:

درس امروز درباره ی شغل آینده است

«دَرْسُ الْيَوْمِ حَوْلَ مِهْنَةِ الْمُسْتَقْبَلِ».

پسر پرسید: کدام شغل را دوست داری  
فَسَأَلَ: أَيِّ مِهْنَةٍ تُحِبُّ؟

صادق: من کشاورزی را دوست دارم؛ زیرا آن کار مهمی است برای پیشرفت

صادق: أَنَا أُحِبُّ الزَّرَاعَةَ. لِأَنَّهَا عَمَلٌ مُهِمٌّ لِتَقْدِمِ

کشور. مهندس کشاورزی خواهم شد  
الْبِلَادِ. سَوْفَ أَصِيرُ مِهْنِدِسًا زُرَاعِيًّا.



ناصر: من کتابفروشی را دوست دارم؛ زیرا کتاب ها

ناصر: أَنَا أُحِبُّ بَيْعَ الْكُتُبِ؛ لِأَنَّ الْكُتُبَ

گنج هستند و پیامبر خدا درباره ی آنها گفت:  
كُنُوزٌ وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْهَا:

«الْكَتُبُ بَسَاتِينُ الْعُلَمَاءِ».

کتاب ها باغ های دانشمندان هستند



قاسم:

مخترعی خواهم شد و موبایل جدیدی خواهم ساخت

سَأَصِيرُ مُخْتَرِعًا وَ سَوْفَ أَصْنَعُ جَوَّالًا جَدِيدًا.



منصور:

أَنَا أُحِبُّ الرِّيَاضَةَ. مِنْ وَرِثِ رَا دَوْسْت دَارِم

أَنَا لِأَعِبُّ مُمْتَاژٌ فِي كُرَةِ الْقَدَمِ.

من بازیکن ممتازی در فوتبال خواهم شد



امین: من چشم پزشکی رادوست دارم. پزشکی خواهم شد



أَمِينُ: أَنَا أَحِبُّ طِبَّ الْعُيُونِ. سَوْفَ أَصِيرُ

برای خدمت به مردم

طیباً لخدمته الناس.

دانش آموزان یاد کردند صاحبان شغلها را مانند معلم و

الطُّلَّابُ ذَكَرُوا أَصْحَابَ الْمِهْنِ كَالْمُدْرَسِ وَ

نَانُوا وَبَلِيسٍ وَشِيرِينِي فَرُوشٍ وَفَرُوشِنْدَه وَ

الْحَبَّازِ وَ الشَّرْطِيَّ وَ الْحَلْوَانِيَّ وَ الْبَائِعِ وَ

پُرسْتَارُو آهنگر و غیره (بقیه شان)

الْمُمْرِضِ وَ الْحَدَّادِ وَ غَيْرِهِمْ.

معلم: هدف شما از انتخاب شغل چیست؟

الْمُدْرَسُ: مَا هُوَ هَدَفُكُمْ مِنْ اِتِّخَابِ الشُّغْلِ؟

خدمت مردم؛ زیرا هر کدام از ما به دیگران نیاز داریم.

عَارْفُ: خِدْمَةُ النَّاسِ؛ لِأَنَّ كُلَّ وَاحِدٍ مِنَّا بِحَاجَةٍ إِلَى الْآخَرِينَ.

کدام شغل مهم است؟

الْمُدْرَسُ: أَيُّ شُغْلٍ مُهِمٌّ؟

حامد: کُلُّ هِمَّةٍ شُغْلَهَا مُهِمٌّ وَ كِشُورٌ بِهَمِّهِ يَ شُغْلَهَا نِیَاز دَارِد.

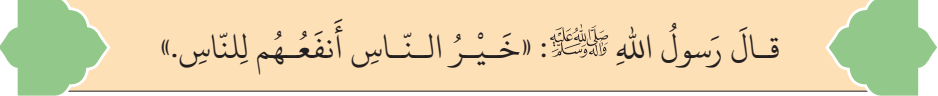
حَامِدُ: كُلُّ مِهْنَةٍ مُهِمَّةٌ وَ الْبِلَادُ بِحَاجَةٍ إِلَى كُلِّ الْمِهْنِ.

ما باید به همه ی شغلها احترام بزاریم

الْمُدْرَسُ: عَلَيْنَا بِاحْتِرَامِ كُلِّ الْمِهْنِ.

پیامبر خدا (ص) می فرماید: بهترین مردم سودمندترین شان برای مردم است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ.»



دانستیم که فعل مضارع نشانگر زمان حال و آینده است؛ اکنون بدانیم که با افزودن «س» یا «سَوْفَ» بر سر آن فقط بر آینده (مستقبل) دلالت می کند و در ترجمه آن از فعل «خواه...» استفاده می شود؛ مثال:



أَكْتُبُ: می نویسم ← سَأَكْتُبُ، سَوْفَ أَكْتُبُ: خواهم نوشت.

سَوْفَ

با توجّه به الگوی خوانده شده ترجمه کنید.

أَنَا سَاعَمَلٌ: من کار خواهم کرد أَنْتِ سَوْفَ تَفَحَصِينَ الْمَرِيضَةَ: تو بیمار را معاینه خواهی کرد  
أَنْتِ سَوْفَ تَفْرَحُ: تو خوشحال خواهی شد

### فعل مضارع

أَفْعَلُ الْمَضَارِعُ ← (أَفْعَلُ) ، (تَفَعَّلَ ، تَفَعَّلَيْنِ)



أَنَا مُدَرِّسَةُ الْكِيمِيَاءِ. من معلم شیمی هستم  
أَشْرَحُ الدَّرْسَ لِلطَّالِبَاتِ.  
درس را برای دانش آموزان توضیح می دهم



أَنَا خَبَّازٌ. من نانوا هستم  
أَعْمَلُ لِتَهْيِئَةِ الْخُبْزِ مِنَ السَّاعَةِ الْخَامِسَةِ.  
برای تهیه نان از ساعت پنج کار می کنم



أَنْتِ طَبِيبَةٌ تو پرستاری  
تَفَحَصِينَ الْمَرَضَى بِدِقَّةٍ.  
بیماران را با دقت معاینه می کنی.



تو پلیسی أَنْتِ شُرْطِيٌّ.  
تَحْفَظُ الْأَمْنَ فِي الْبِلَادِ.  
امنیت را در کشور حفظ می کنی



## الْتَمَارِين

### ١ الْتَمْرِينُ الْأَوَّلُ:

با مراجعه به متن درس به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.

١. ماذا قَالَ النَّبِيُّ ﷺ حَوْلَ الْكُتُبِ؟ **الْكُتُبُ بِسَاتِينِ الْعُلَمَاءِ**
٢. ما هُوَ الْهَدَفُ مِنْ اِتِّخَابِ الشُّغْلِ؟ **خِدْمَةُ النَّاسِ**
٣. حَوْلَ أَيِّ مَوْضِعٍ كَانَ دَرَسُ الْيَوْمِ؟ **مِهْنَتِكَ فِي الْمُسْتَقْبَلِ**
٤. ماذا سَتَصِيرُ فِي الْمُسْتَقْبَلِ؟ **هَرِ شَغْلِي كِه دُوسْت دَاشْتِينِ**
٥. أَيُّ شَغْلٍ مُهِمٌّ بِرَأْيِكَ؟ **كُلُّ الْمِهْنِ مَهْمَةٌ**

### ٢ الْتَمْرِينُ الثَّانِي:

جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



أَنَا نَجَّارٌ. مِنْ نَجَّارِمِ  
سَأَصْنَعُ كُرْسِيًّا خَشَبِيًّا.  
مِزِي چوبی خواهم ساخت



أَنَا طَبَّاحَةٌ. مِنْ آشپز هستم  
أَطْبُخُ طَعَامًا لَذِيذًا.  
غذای خوشمزه ای می پزم



تو کشاورزی تلاشگر هستی  
 أَنْتِ فَلَاحَةٌ مُجِدَّةٌ.

أَنْتِ تَحْصُدِينَ الرَّزَّ.  
 تو برنج درو می کنی



تو پزشکی کوشا هستی  
 أَنْتِ طَبِيبٌ مُجِدٌّ.

أَنْتِ تَفْحَصُ الْمَرْضَى بِدِقَّةٍ.  
 تو بیماران را با دقت معاینه می کنی

### ۳ التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ:

جمله های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل های مضارع خط بکشید.

۱. أَنْتِ حَدَادٌ. تَصْنَعُ الْأَبْوَابَ وَ النَّوَافِذَ.

تو آهنگری. در بها و پنجره ها می سازی

۲. أَنَا جُنْدِيٌّ. أَرْفَعُ عَلَمَ وَطَنِي إِيرَانَ.

من سربازم. پرچم کشورم ایران را بالا بردم

۳. أَنَا مُمْرِضَةٌ. أَخْدِمُ كُلَّ الْمَرْضَى.

من پرستارم. به همه بیماران خدمت می کنم

٤. أَنَا أَنْصَحُكَ أَنْ تَذْهَبَ عِنْدَ طَبِيبِ الْعُيُونِ.

من تورا نصیحت می کنم که پیش چشم پزشک بروی

٥. أَنْتِ سَوْفَ تَنْجَحِينَ فِي امْتِحَانَاتِ نِهَائِيَةِ السَّنَةِ.

تو موفق خواهی شد در امتحانات پایان سال

### ٤ التَّمَرِينُ الرَّابِعُ:

زیر هر تصویر نام آن را به عربی بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

حَدَّاد - نَجَّار - رِيَاظِي - مُمَرِّضَةٌ - كَاتِب - حَلْوَانِي - خَبَّاز - شُرْطِي -  
خَيَّاطَةٌ - سَائِق - طَيِّبَةٌ - طَبَّاحَةٌ - فَلَاحَةٌ - مُدْرَسَةٌ



ممرضة



فلاحة



استاد و نویسنده، شهید مرتضی مطهری

کاتب



سائق



خباز



معلمة





حَدَّاد



طَبِيبَةٌ



خِیَاطَةٌ



طَبَاخَةٌ



نَجَّارٌ



حَلْوَانِيٌّ

٥ التَّمْرِينُ الْخَامِسُ:

در گروه‌های دو نفره مکالمه کنید. «پاسخ کوتاه کافی است».

فی الصف الثامن	١. فی أَيِّ صَفٍّ أَنْتَ (أَنْتِ)؟
انا مِن .....	٢. مِنْ أَيْنَ أَنْتَ (أَنْتِ)؟
نعم	٣. أَتَعْرِفُ (تَعْرِفِينَ) اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ؟
ثلاثة	٤. كَمْ كِتَابًا فِي حَقِيبَتِكَ (حَقِيبَتِكِ)؟
فی جنوب ایران	٥. أَيْنَ الْخَلِيجُ الْفَارِسِيُّ؟

## گَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید. (احادیث از حضرت علی علیه السلام است.)

۱. الْإِنْسَانُ بِعَقْلِهِ.

(ارزشش) آدمی به عقل اوست

۲. الْعَقْلُ حُسَامٌ قَاطِعٌ.

عقل شمشیری بُرنده است

۳. الْعَقْلُ حِفْظُ التَّجَارِبِ.

عقل حفظ تجربه هاست

۴. ثَمَرَةُ الْعَقْلِ مُدَارَاةُ النَّاسِ.

میوه ی عقل مُدارا کردن با مردم است

۵. غَايَةُ الْعَقْلِ الْإِعْتِرَافُ بِالْجَهْلِ.

غایت دانایی اعتراف به نادانی است

تحقیق کنید و نام چند شغل یا ورزش را به عربی با تصویر در قالب روزنامه دیواری بنویسید.



تحقیق کنید



## گفتگوهای اربعین

### الأربعینات

#### رفتن به نجف اشرف

#### الذَّهَابُ إِلَى النَّجْفِ الْأَشْرَفِ

ایاباً اتوبوس می روی یا با تاکسی؟  
- أَ تَذْهَبُ بِالْحَافِلَةِ أَمْ بِسَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ؟  
ایستگاه اتوبوس روبرویت است  
- مَوْقِفُ الْحَافِلَاتِ أَمَامَكَ.

با خانوادہ ام و خانوادہ ی عموم و دایم ام دم  
- جِئْتُ مَعَ أُسْرَتِي وَ أُسْرَةِ عَمِّي وَ خَالِي.  
در ساعت نه و نیم می رسم  
- نَصَلُ فِي السَّاعَةِ التَّاسِعَةِ وَ النِّصْفِ.

اولین بار حاضر شده ام  
- حَضَرْتُ لِأَوَّلِ مَرَّةٍ.

نمی دانم وادی السلام چیست  
- لَا أُدْرِي مَا وَادِي السَّلَامِ؟  
کدام پیامبر در آن مدفون است  
- أَيُّ نَبِيٍّ مَدْفُونٍ هُنَاكَ؟

می خواهم به نجف بروم  
- أُرِيدُ أَنْ أَذْهَبَ إِلَى النَّجْفِ.  
با اتوبوس می روم.  
- أَذْهَبُ بِالْحَافِلَةِ.

مع من جئت؟ با کی آمدی  
- مَعَ مَنْ جِئْتُ إِلَى الْحَرَمِ؟  
چه وقت به حرم می رسم؟

چند بار در راهپیمایی اربعین حاضر شدی؟  
- كَمْ مَرَّةً حَضَرْتُ فِي مَسِيرَةِ الْأَرْبَعِينَ؟

تورا نصیحت می کنم به وادی السلام نروی  
- أَنْصَحُكَ أَنْ تَذْهَبَ إِلَى وَادِي السَّلَامِ.

از بزرگترین قبره های جهان که در آن مرقده برخی از انبیاء است  
- مِنْ أَكْبَرِ مَقَابِرِ الْعَالَمِ فِيهَا مَرَاقِدُ بَعْضِ الْأَنْبِيَاءِ.

حضرت هود و صالح (ع)  
- هُوْدٌ وَ صَالِحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

